فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۳۵)، بهار ۱۴۰۰
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۳۶-۱۱۱

دیپلماسی و الگوی توزیع فضایی فعالیت وجمعیت در روستاهای مرزی مورد: شهرستان زهک

محمد قاسمی‌سیانی؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، جهاددانشگاهی، تهران، ایران.
ایرج قاسمی *؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، جهاددانشگاهی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۰۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

چکیده

حکومت به عنوان اولین و قدرتمندترین تصمیم‌گیر و کنشگر در عرصه ساختار فضایی است. ساختار فضایی یک بخش اساسی از نبرد برای کنترل و مراقبت افراد و جامعه است در واقع برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین، تجلی اراده حکومت در قالب تنظیم قوانین و اختصاص منابع و تصمیم‌سازی است. مناطق مرزی یکی از راهبردی‌ترین مناطق برای مداخله دولت به شمار می‌رود. این مناطق به دلیل تماس با محیط داخلی و خارجی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که هر گونه دیپلماسی داخلی و خارجی بر آن اثرگذار است. شهرستان زهک یکی از مناطق مرزی ویژه در استان سیستان و بلوچستان است که به دلیل تجاری، وجود بازارچه مرزی و ورود آب هیرمند و دیپلماسی آب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله با هدف بررسی نقش مدیریت کلان و دیپلماسی و پیامدهای اقتصادی آن بر ساختار و سازمان فضایی در شهرستان زهک انجام پذیرفت، روش تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی و استفاده از پرسشنامه و مشاهده میدانی است. بدین منظور ۱۸۴ پرسشنامه ویژه مدیران روستا در تمامی روستاهای بالای ۲۰ خانوار شهرستان توزیع گردید و ۱۰ مصاحبه نیز با مدیران ادارت و سازمان‌های دولتی شهر زهک، انجام پذیرفت. نتایج نشان می‌دهد که تحت تاثیر دیپلماسی بین دو کشور مرزی، با تعطیلی بازارچه مرزی و ایجاد دیوار حایل، اقتصاد نواحی روستایی و فعالیت در شرق شهرستان بر مبنای تجارت و کشاورزی رو به زوال گذاشته است و در اثر بیکاری و نبود فعالیت اقتصادی بسیاری از روستاها تخلیه و خالی از سکنه شدند. علاوه بر این با پیگیری سیاست جابجایی روستاها، تنوع قومی و فرهنگی، زمینه‌ساز ناپایداری سکونتگاه‌های جدیدالتاسیس شده است. با تمرکزگرایی و حمایت از مراکز جمعیتی، الگوی جریان‌های ارتباطی در شهرستان الگویی قطبی شده با مرکزیت زهک و زابل است و از الگوی شبکه‌ای پیروی نمی‌کند که این امر برای روستاهایی که خارج از شبکه قرار گرفته‌اند زمینه‌ساز ناپایداری و زوال را فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: توزیع فضایی، روابط سیاسی، اقتصاد روستایی، شهرستان زهک، منطقه مرزی.

* i_ghasemi@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

۱) مقدمه

در سیر مطالعات علوم جغرافیایی از دهه ۱۹۷۱ میلادی با ورود اندیشه‌های مارکسیستی به جغرافیا و همچنین بروز آشفتگی‌های فرهنگی – اجتماعی ناشی از برتری سرمایه‌داری؛ تعدادی از جغرافیدانان از تمرکز بر روش‌های کمی و مطالعات اکولوژیک روی گردان شده و ظهور پارادایم‌های جدیدی در جهت در نظر گرفتن هر چه بیشتر نقش قدرت سیاسی مورد توجه قرار گرفت (میرحیدر و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۹). این مسأله موجب گردید که مطالعهٔ اثر تصمیمات حاکمیت و قدرت سیاسی در فضا و اثرات آن رویکردهای اثبات‌گرایانه را به چالش بکشد و به نقش قدرت سیاسی در فضا تاکید بیشتری نماید (Dikshit, 1982: 20). از این زمان به بعد با عنایت به این تحول شناختی در علوم جغرافیایی در بین ابعاد مختلف فضای جغرافیایی، بُعد سیاسی به مثابه یکی از مهمترین ابعاد فضا جهت حل و فصل این چالش‌ها وارد عرصهٔ مطالعات گردید. به طوری که در اذهان اندیشمندان شکل‌دهی به برنامه‌ریزی فضایی به مثابه بُعد کاربردی علوم جغرافیایی بدون در نظر گرفتن سیاست مشتمل بر عملکرد بازیگران سیاسی (نهادهای حاکم، رهبران، احزاب و..)، مستندات سیاسی (حقوق و قوانین) و ایدئولوژی‌های سیاسی ناکامل قلمداد گردید. با توجه به مبنایی بودن این رابطه در علوم جغرافیایی؛ به نظر می‌رسد شناخت رابطه سیاست و فضای جغرافیایی در مکاتب مختلف روش‌شناسی حائز اهمیت زیادی است. در این راستا به ویژه شناخت رابطهٔ سیاست و فضای جغرافیایی با مکتب ساختارگرایی تلفیق شده است. چرا که ساختارگرایان به ویژه اهمیت ویژه‌ای برای عملکرد قدرت در تولید و بازساخت فضای جغرافیایی قائل می‌باشند. هدف این دیدگاه، کشف الگوهای فضایی فرآیند تولید، توزیع؛ مصرف و نقش دولت، گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل‌دهی به آن الگوها است (پیران، ۱۳۷۰: ۷۸). همچنین با ظهور مکاتب سیاسی و رسوخ آنها به حوزه جغرافیا، دیدگاه اقتصادی سیاسی فضا نیز در پی بررسی و تحلیل روابط سیاسی و فضای جغرافیایی بر آمد. از نظر این دیدگاه، کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی وابسته به صدور مواد خام هستند، چون دارای سیستم متمرکز سیاسی و بوروکراسی اداری ناکارآیی هستند بخش اداری وسیع‌تری را در یک یا دو شهر جای می‌دهند. به عبارت دیگر، وابستگی به اقتصاد جهانی (توسعه برون‌زا) و عدم برخورداری از نظام سیاسی دموکراتیک و روان، موجبات تمرکز را در ابعاد مختلف فراهم می‌آورد. در این کشورها دولت واسط بین رانت و اقتصاد داخلی است. فرایند تحول بازار منشا بیرونی و مستقل داشته و ویژگی سیاست‌گذاری دولت تابعی از منبع درآمدی و ایدئولوپی هیات حاکمه است که با رشد بخش عمومی، نوعی رفتار رانت جویانه را در حوزه علایق سیاسی شکل داده است(افراخته، حجی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۹).

مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط‌های داخلی و خارجی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. سکونتگاه‌های روستایی حاشیه مرز از جمله مناطق مهم و استراتژیک برای کاهش مشکلات مرزها به شمار می‌آید که اگر به شیوه علمی و منطقی ساماندهی شوند، می‌توانند تا حد بسیار زیادی در کنترل مناطق مرزی مؤثر بوده و مشکلات این مناطق را به حداقل برسانند (صادقی و همکارن، ۱۳۹۳: ۱۲۶). برنامه‌ریزی با هدف توسعه پایدار سکونتگاه‌ها به ویژه مناطق مرزی، نیاز به سازماندهی فضایی را برای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

نواحی روستایی را بوجود می‌آورد تا مسائل کلان و ملی، همچون موضوعات امنیتی را بتوان دقیق‌تر و کارآمدتر سازماندهی کرد (متقی و همکاران،۱۳۹۴: ۱۴۸). از این رو در مستندات موجود نیز مطالعات و تحقیقات انجام شده به دلیل وجود اهمیت و حساسیت‌های ویژه مناطق مرزی، توجه خاصی در جهان به مطالعات آمایش این مناطق شده است. این مطالعات را می‌توان در دو جنبه علمی و عملی مد نظر قرار داد. از جنبه عملی کشورهایی که درگیر مسایل ناامنی در مناطق مرزی خود بوده‌اند، دریافته‌اند که عمده‌ترین مسایل مربوط به این ناامنی‌ها، ناشی از شرایط توسعه نیافتگی و پیامدهای تبعی آن بوده است. به عبارت دیگر شرایط فقر و تنگدستی در این مناطق می‌تواند محیط مناسبی جهت بروز – ناامنی‌ها و تحریک دشمنان در بهره برداری از سرپل‌های بوجود آمده در این مناطق گردد. بنابراین دیپلماسی و تصمیمات کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لحاظ شده در منطقه مورد مطالعه باعث ایجاد تحولات عمیقی در سازمان فضایی سکونتگاه‌ها شده است. در اثر این تحولات ارتباط درونی بین اجزاء و ارتباط بیرونی میان اجزاء، نظام و محیط نوعی گسست ایجاد شده است. پژوهش حاضر ناظر بر نحوه اثرگذاری تحولات و تصمیمات سیاسی در اقتصاد و ساختار فضایی (فعالیت، ارتباطات و اسکان) شهرستان زهک است و تغییرات فضایی رخ داده را مورد توجه قرار می‌دهد.

در شهرستان زهک در طی سال‌های گذشته در اثر وقوع حوادث طبیعی (سیل و سیلاب، خشکسالی، طوفان شن)، باعث ایجاد تصمیمات سیاسی و کلانی در ابعاد ملی و از سوی سازمان‌های ذی مدخل در امور بوده است از جمله این تصمیمات بر اثر وقوع سیل سال ۱۳۶۹، تصمیم به جابجایی و اسکان روستائیان در یک مجتمع سکونتگاهی گرفته می‌شود بنحوی که ۱۹ آبادی در یکدیگر ادغام شده و با جابجایی یک سکونتگاه واحد را شکل می‌دهند. همچنین یکی دیگر از تصمیمات سیاسی و کلان احداث چاه نمیه شماره چهار است که باعث جابجایی و تخریب ۱۲ آبادی می‌شود. این دو تصمیم به نحو بارزی در ساختارهای اقتصادی شهرستان تاثیر گذار بوده است. از سوی دیگر برخی تصمیمات سیاسی همچون تعطیلی بازارچه مرزی شاهگل و ایجاد دیوار حفاظتی بین دو کشور ایران و افغانستان، تشکیل شهرستان جدید زهک جدایی آن از شهرستان زابل و تغییر مرزهای قراردادی و همچنین تبدیل نقاط روستایی به شهر و ایجاد شهرهای جدید و احداث نواحی و شهرک‌های صنعتی مولفه‌هایی هستند که می‌تواند باعث تغییر در کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سازمان فضایی نواحی سکونتگاهی شود.

یکی دیگر از موضوعات مهم آب و دیپلماسی آب است. آب بعنوان یک منبع طبیعی از جمله منابعی است که بین دو یا چند ذیمدخل (محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی) مشترک بوده و استفاده یک ذیمدخل بر نحوه مصرف سایر ذیمدخلان اثرگذار است. . مدیریت منابع آب بطور مستقیم و غیرمستقیم با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی، محیطزیستی، سیاسی و امنیتی یک جامعه در ارتباط است (قریشی و همکاران،۱۳۹۸: ۲۴۳).

آب در شهرستان زهک اهمیت زیادی از نظر نقش آن در ساختار فضایی دارد. مهمترین منبع آب رودخانه هیرمند است اکه سرچشمه رودخانه هیرمند در بیرون از مرزهای کشور قرار گرفته و سهم آب ورودی به کشور طی معاهده‌های فیمابین ایران و افغانستان تعیین شده است. حال چنانچه روابط

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

دیپلماتیک و تعاملات بین دو کشور فعال باشد سهم تعیین شده وارد کشور می‌شود. در غیر این صورت کشور همسایه بخصوص در مواقع خشکسالی از آزادسازی آب را محدود می‌کند. دو موضوع کلان یاد شده در کنار تصمیمات سیاسی ملی چند سال اخیر از جمله تبدیل شدن زهک به یک شهرستان مستقل در تقسیمات سیاسی استان، ایجاد نواحی و شهرک‌های صنعتی و جابجایی سکونتگاه‌های روستایی باعث تحولات عمیقی در سه محور اصلی سازمان فضایی منطقه از جمله سکونت، فعالیت و روابط بین سکونتگاهی شده است، همچنین ایجاد و احداث دیوار حائل بین مرز ایران و افغانستان و تعطیلی بازارچه مرزی بسیاری از فعالیت‌ها از جمله کشاورزی و تجارت مرزی را تحت‌الشعاع قرار داده است و اقتصاد نواحی روستایی مرزی را به سمت زوال پیش برده است. مجموع عوامل ملی و بین المللی در سه دهه اخیر در شهرستان زهک، تحولات عمیقی ایجاد کرده است که برآیند آن دگرگونی و ناپایداری در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سازمان فضایی منطقه است، برای درک عمیق تر تحولات منطقه مورد مطالعه می‌بایست مشخص شود که اولاً تصمیمات سیاسی اتخاذ شده در ملی، منطقه‌ای و محلی، چه تغییراتی در ساختارها و کارکردهای اقتصادی سکونتگاه‌های ایجاد کرده است؟ این تغییرات، چه پیامدهایی را برای سازمان فضایی نظام سکونتگاهی به دنبال داشته است؟

۲) مبانی نظری

با توجه به اینکه کلیه فعالیت‌های انسان در فضای جغرافیایی صورت می‌پذیرد. با عوامل بسیاری در ارتباط است. برخی از این عوامل به محیط طبیعی و برخی دیگر به محیط انسانی و عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته است. فضای جغرافیایی یک مجموعه از پدیده‌هایی پیوسته است که آن را می‌توان به عنوان یک سیستم در نظر گرفت که ساختار و کارکردهایی دارد (قاسمی سیانی، ۱۳۹۶: ۴۸). در واقع تغییرات محیطی اکولوژیکی و تغییرات –اجتماعی – اقتصادی و سیاسی در دوره‌های مختلف بصورت دگرگونی در ساختارها و کارکردهای نواحی تجلی یافته است. تغییرات کارکردها و ساختارهای فضایی سکونتگاه‌ها، باعث گسست در بین فضاهای زیست، فعالیت و عدم یکپارچگی فضایی شده است. این پیامدها هر یک به نحوی بر سکونتگاه‌ها تأثیر گذاشته است (قاسمی سیانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷). همچنین نابسامانی در سازمان فضایی کشورهای جهان سوم که در اثر عوامل گوناگون تحت تأثیر مکانیسم‌های حاکم بر ساختارهای اقتصادی – اجتماعی و سیاسی پدید آمده است، موجب گسستگی روابط بین شهرها شده و عدم تعادل‌های منطقه‌ای را به وجود آورده است. فضای جغرافیایی به عنوان یک سیستم فعال و زنده در طول زمان تحت تاثیر کنش‌های درونی و بیرونی دچار تضاد و عدم تعادل می‌شود. وجود تضاد به طور حتم به حرکت منجر می‌شود و به این ترتیب تضاد خود به خود کنش و واکنش را به دنبال دارد. دیالکتیک فضایی دارای ابعاد طبیعی و انسانی است که از یک سو تغییرات محیط طبیعی در قالب پدیده‌های همچون زلزله، سیل، طوفان، خشکسالی و ... سبب تغییر فضای را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر انسان‌ها و نهادهای اجتماعی سیاسی حاکم بر یک قلمرو باعث تغییرات انسان محور فضای جغرافیایی می‌شوند. بنابراین بخشی از گوناگونی و افتراق سیستم‌های طبیعی ریشه در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

طبیعت دارد و انسان و جامعه انسانی تأثیری در روند آن ندارد و بخشی نیز در جریان زندگی انسان بروی بستر طبیعی، دچار تغییر و بازساخت خواهد شد. بدین ترتیب بخشی از مطالعه افتراق مکانی ناشی از گفتمان و ایدئولوژی‌های حاکم است (لشگری تفرشی، ۱۳۹۴: ۱۳). برهمین اساس بین سیاست و ایدئولوژی و فضای جغرافیایی رابطه‌ای مستحکم برقرار می‌شود. این روابط در شکل ۱ و۲ نشان داده شده است.

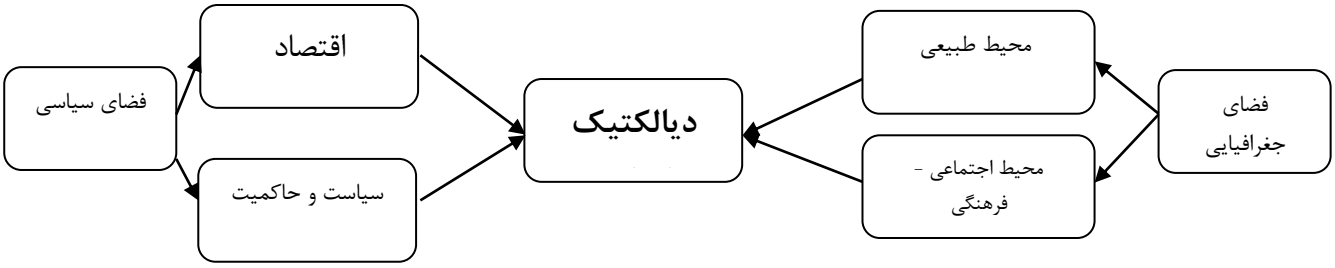

شکل ۱. دیالکتیک فضایی؛ منبع: لشگری تفرشی با اعمال تغییرات، ۱۳۹۴

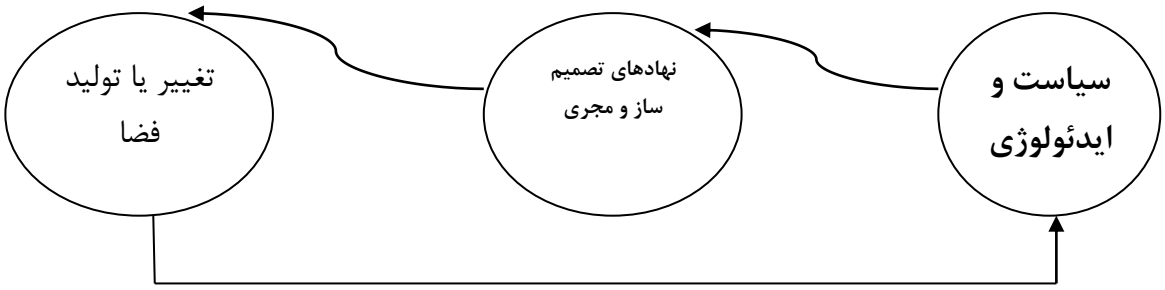

شکل ۲. رابطه سیاست با تغییر فضایی؛ منبع: لشگری تفرشی، ۱۳۹۴

بدین ترتیب نقش سیاست‌های ملی و منطقه‌ای در تعدیل یا تعمیق الگوی پراکنش عناصر فضایی حائز اهمیت است (توکلی‌نیا و شالی،۱۳۹۱: ۱۳۰).

در طول زمان سکونتگاه‌ها به عنوان فضایی جغرافیایی، خواسته یا ناخواسته، همواره متأثر از عوامل گوناگون طبیعی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در حال تغییر و تحول و تکامل بوده است. در میان عوامل مؤثر بر روند تحولات به وجودآمده در فضاهای سکونتگاهی، نقش برنامه‌ریزی انسانی، به ویژه در سده اخیر، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است (رحمانی فضلی و پریشان، ۱۳۹۴: ۲۴). لذا نهاد حاکمیت و سیاست در یک رابطه انضمامی با سایر ابعاد فضای جغرافیایی قرار دارد و همه برنامه‌ها و راه‌حل‌ها برای مشکلات جامعه و فضا؛ به گونه‌ای با قدرت و سیاست ممزوج است (مرداک، ۱۳۹۲: ۸۷). با توجه به تسلط حکومت بر ساختار جامعه؛ این نهاد به عنوان اولین و قدرتمندترین تصمیم‌گیر و کنشگر در عرصه ساختار فضایی می‌باشد و ساختار فضا نیز یک بخش اساسی از نبرد برای کنترل و مراقبت افراد می‌باشد. زیرا افزون بر تنظیم نظام حقوقی و قانونی جامعه، سیاستگذاری و تخصیص منابع از وظایف

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

اصلی آن محسوب می‌شود. در واقع برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین، تجلی اراده حکومت در قالب تنظیم قوانین و اختصاص منابع می‌باشد(دریفوس، رابینو، ۱۳۷۹: ۳۱۱).

از این رو مهمترین تجلی قدرت ابعاد جغرافیایی آن می‌باشد. ساختارهایی فضایی بستر مناسبی برای تحلیل وجوه مختلف برنامه‌ریزی نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر از جمله حکومت می‌باشد. حاکمیت در وجه نهادی، مدیریت امور عمومی و تنظیم روابط در مقیاس کلی و فراملی را عهده دار می‌باشد و عالی‌ترین مقام و مرجعی است که در یک ساختار سیاسی - فضایی انحصار اعمال قدرت و اقتدار را در قلمرو معین در اختیار دارد (لشگری تفرشی، ۱۳۹۳: ۱۷).

تحول و دگرگونی در فعالیت‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌ها به عنوان پدیده‌ای پویا، از طریق گسترش فیزیکی و کالبد و افزایش کارکردها و افزایش جمعیت در سکونتگاه مشخص می‌شود که در این میان تعدادی از سکونتگاه‌ها را به خود وابسته می‌کند و در بعضی موارد از رشد و گسترش درخور توجهی برخوردار می‌شود. بنابراین فرایندهای توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در بسیاری از کشورها نواحی روستایی را دوباره شکل می‌دهد (Labrianidis, 2004: 57).

در کشورهایی با نظام سیاسی بسیط و اقتصاد نفتی، دو عامل اقتصاد نفتی و ساخت سیاسی در ارتباط با یکدیگر سبب شده است که دولت خود را کمتر نیازمند مردم و مکان‌های جغرافیایی ببیند و در نتیجه، برخی مناطق و حوزه‌های جغرافیایی کشورها که استعداد و ظرفیت بالایی دارند، ممکن است در چرخه برنامه‌ریزی و مدیریت واقع نشوند (Gwartney, Holcombe, & Lawson, 1998). مکاتب مختلف و نحله‌های فکری هر کدام به نوعی در پی پاسخ به تحولات و تغییرات فضایی بوده‌اند در این بین مکتب ساختارگرایی بیش از سایر مکاتب به ساختارهای حاکم توجه داشته است. در این مکتب با پذیرش هستی‌شناسانه متعامل از فضا براین باور است که ساختار فضایی همانند یک نظام عمل می‌کند و کارکرد این نظام برتر از بخش‌ها و اجزاء تشکیل دهندهٔ آن نقش بازی می‌کند. به طوری که این اجزاء در چارچوب سیستم فضایی با یکدیگر وابستگی کارکردی داشته و به منزلهٔ یک سیستم عینی در مکان و زمان تعین می‌یابد و نمی‌توان آن را به بخش‌های سازندهٔ آن تقسیم نمود (Milton, 2009: 47). ساختارگرایان بر این اعتقادند که واقعیت فضای جغرافیایی را تنها می‌توان از طریق ارجاع به آشکارسازی تاریخی مناسبات و روابط سیاسی و اقتصادی درک نمود که ساخت فضای جغرافیایی را به عهده دارند. بنابراین جغرافیای ساختاری خود را درگیر ارزیابی محتوایی نظام فضایی نمی‌نماید بلکه درصدد بررسی فرایندها و رویه‌ها است که از طریق آنها فرم‌های فضایی زاده می‌شوند (Fraser, 1994: 24). جغرافیای ساختاری بر این است که می‌توان در پس هر نماد موجود در فضای جغرافیایی، روابط سیستماتیک از آراء، جریان‌ها و ایدئولوژی‌ها را یافت که رابطه‌ای شبکه وار با یکدیگر دارند و اثر آن در نماد مورد نظر تجلی می‌یابد. وقتی این ساختار کشف گردد، همه اجزاء را می‌توان به عنوان محصول آن ساختار تبیین نمود (بشیریه، ۱۳۹۰: ۲۴).

در جغرافیای ساختاری، زندگی و رفتار اجتماعی افراد و گروه‌ها در ارتباط با شرایط زندگی، باورها و نظام اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدینسان که هر پدیده‌ی مشهود جغرافیایی، نظیر: گرانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

مسکن، حاشیه‌نشینی، بیکاری، گسترش امراض، فقر، انحرافات اجتماعی و مصرف‌گرایی، نتیجه ساختارهای اقتصادی- اجتماعی شناخته می‌شود. اما این ساختارهای اقتصادی- اجتماعی، در خود پدیده‌های مشهود جغرافیایی قابل مشاهده نمی‌باشند بلکه به صورت پنهان عمل می‌کنند. به سخن دیگر، ساختارهای پنهان و تولیدکنندگان پدیده‌های جغرافیایی، در عینیّت پدیده‌ها پنهان می‌باشند. از این رو جغرافیای ساختاری، در پشت هر پدیده‌ی جغرافیایی، علل و هدف‌های مختلفی می‌یابد (قاسمی سیانی،۱۳۹۸: ۸۹). بنابراین در جغرافیای ساختاری برای ساختارهای سیاسی- اقتصادی حاکم در یک دورهٔ تاریخی نقش عِلی و تعیین کنندگی برای شکل‌گیری و حدوث تغییر فضایی قائل هستند و تاریخ در نظر آنها چیزی جز تحول ساخت‌ها و تغییر شکل آنها نمی‌باشد. به عبارت دیگر، برای فهم پدیده‌ها باید به ساختارهای مسلط رجوع نمود. در این موضع تولید فضا به دلیل همبودگی، همزمانی و کنش متقابل پدیده های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... می‌باشد. در عین حال این رابطه در ذات خود حرکت، نفی، رقابت و در نتیجه تغییر اجزاء را به دنبال دارد و این تضاد و نفی میان پدیده‌ها منجر به ظهور دیالکتیک فضایی خواهد شد. با این نگاه، فضا برون داد توالی و مجموعه‌ای از روابط است و نمی‌توان آن را به یک شیء انتزاعی تنزل داد. در این گفتمان مقولات و نمادهای موجود در فضای جغرافیایی، به واسطهٔ اسلوب‌های ساختارمند سیاسی - اقتصادی ساخته می‌شوند و تابع آنها می‌باشند. نظریه ساختاری بر این باور است که حقایق فضایی محصول قالب‌ها و چارچوب‌های سیاسی و تاریخی است و نه حقایق موجود و کشف شدنی. از این رو ساختارها امری تکوینی می‌باشند که لازم است چگونگی ساخته شدن آنها توسط نیروهای تاریخی – سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. این طرز تفکر باعث شد تا جغرافیدانان متأثر از این مکتب در آثار خود به جامعه شناسی تاریخی متمایل گردند. چراکه در جامعه شناسی تاریخی این اعتقاد وجود دارد که عملکرد نیروهای سیاسی – اجتماعی در طول تاریخ قابل کشف و شناسایی بوده و می‌توان آینده تحولات قلمرو فضایی – مکانی را مبتنی بر خواست و علایق این نیروها پیش بینی نمود. نگاه ساختارگرایی مبتنی بر رویکرد تاریخی موجب می‌گردد که پژوهشگر علوم جغرافیایی به اثر نیروهای اجتماعی – سیاسی در شکل دهی به فرایندهای مکانی- فضایی بیشتر دقت نماید (سیدامامی، ۱۳۹۴: ۸۱). به طوری که عاملیت تغییر در یک ساختار مکانی- فضایی با نیات کنشگران ارتباطی نداشته و متأثر از فرایندهای سیاسی- تاریخی می‌باشد (ریترز، ۱۳۸۹: ۵۴۹).

بر این اساس مدل مفهومی زیر جهت تبیین تاثیرگذاری دیپلماسی کلان در تحولات سازمان فضایی شهرستان ترسیم شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

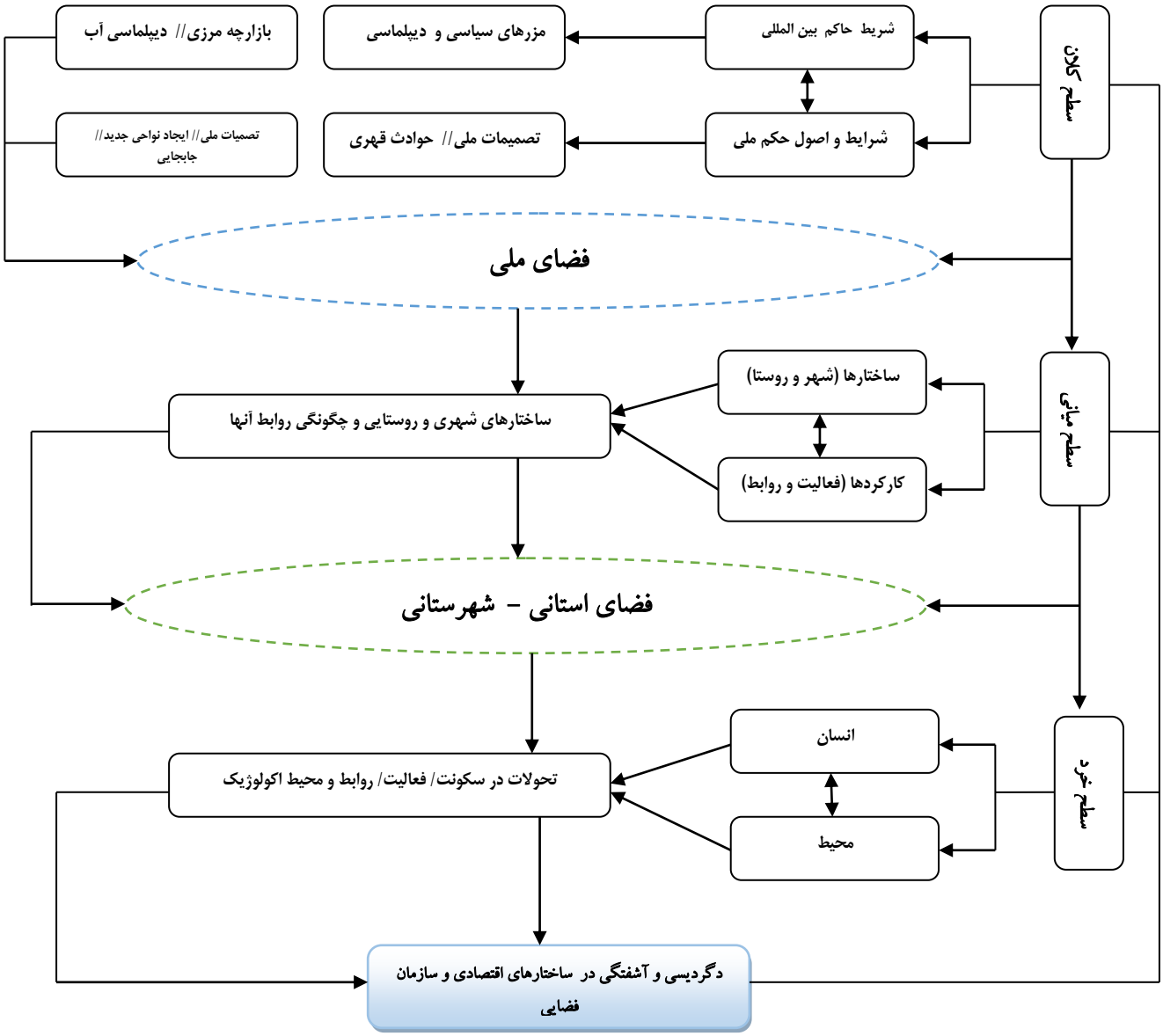

شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش

۳) روش تحقیق

رویکرد کلی حاکم بر مطالعه، رویکرد تلفیقی به صورت همزمان کمی و کیفی و تاکید بر تلفیق برای تکمیل نواقص هر یک از رویکردهاست. بنابراین روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است که در بخش نظری پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی و با استناد بر روش کتابخانه‌ای به تبیین نظریه‌ها و اصول حاکم بر مطالعه پرداخته شد و سپس جایگاه قدرت و خوانش سیاست در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. سپس در بخش مطالعه موردی، مطالعات کمی و کیفی با مطالعه اسنادی، با تحلیل‌های همبستگی و تحلیل روند ساختار اقتصادی و سازمان فضایی در قالب مدل مفهومی بخش نظری مطالعه شده است و نقش مؤلفه قدرت (سیاست) در فرایند با توجه به ویژگی و هدف پژوهش تحلیل گردید. داده‌های مورد نیاز علاوه بر اینکه به صورت مستقیم (داده‌های دست اول) گردآوری شده است، در زمینه مؤلفه‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

مربوط به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به منابع اطلاعاتی سازمان‌ها و ارگان‌های ذیربط مراجعه شده است (داده‌های ثانویه) و ضمن جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه‌های نیز با مدیران شهرستانی انجام گرفته است. در این مقاله پهنه سرزمینی شهرستان زهک مورد مطالعه قرار گرفت (شهرستان زهک با مساحت ۸۰۲ کیلومتر مربع دارای دو بخش مرکزی و جزینک و ۴ دهستان، زهک، خواجه احمد، جزینک و خمک و دارای ۱۹۸ آبادی دارای سکنه و ۳۱ آبادی خالی از سکنه که از این بین ۱۸۴ روستای بالای ۲۰ خانوار، هستند. براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ تعداد جمعیت شهرستان زهک ۷۴۸۹۶ و تعداد خانوار ۱۷۸۴۹ است) برای بررسی میدانی از تمامی روستاهای بالای ۲۰ خانوار (۱۸۴ نقطه روستایی) پرسشنامه ویژه مدیران روستا (دهیار یا شورای اسلامی روستا) تکمیل شد، پرسشنامه‌ها به کمک دهیاری و شورای روستا تکمیل و برای بررسی بیشتر در هر دهستان کارگاه تخصصی و پنل گروهی تشکیل گردید و مشکلات اقتصادی روستا در ابعاد مختلف با مردم مورد بررسی و گفتگو قرار گرفت. (برای انتخاب تعداد نمونه با رعایت شرایط منطقه‌ای تعداد روستاها با رعایت پراکندگی جغرافیایی، توزیع فضایی، بر اساس سطح برخورداری مشخص شد و روستاهای هدف به نحوی انتخاب گردید که پراکندگی مناسبی در سطح شهرستان داشته باشند و از نظر دوری و نزدیکی به مراکز شهری قابل توجیه باشند). در بخش کیفی بعد از تعیین، نوع و نحوه تحولات و تغییرات و همچنین سیاست‌های ملی در سطح شهرستان، ۱۰ مصاحبه با مدیران ادارات و سازمان‌های مستقر در شهر زهک انجام پذیرفت و تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ها با یافته‌های کمی مطابقت داده شد.

جدول ۱. روستاهایی نمونه برای برگزاری پنل تخصصی و گروهی

سطح برخورداری	تعداد	جمعیت	دهستان			
			جزینک	خمک	خواجه احمد	زهک
سطح یک و دو	۵	۹۶۷۴	قلعه نو	خمک	خواجه احمد	محمدشاه کرم
سطح سه و چهار	۱۲	۱۲۳۸۵	قلعه کنگ	گوری	یادگار	کوهک
سطح پنج و شش	۱۶۰	۳۹۹۶۱	قلعه کهنه، قلعه رستم	پیری، قزاق، ابراهیم	ملاقاسم، اشترک سفلی	عباس رستم، جلالی

۴) یافته‌های تحقیق

فضا از طریق فرایند کنش متقابل نیروهای مختلف و پیچیده‌ای تولید می‌شود که به عنوان یک معلول ماحصل علل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و طبیعی است. بدون شک فضا در هر بستر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و طبیعی الگویی متفاوت و مختص به خود را به نمایش می‌گذارد. فضاهای قطبی شده، فضای مدرن، فضای سنتی، فضای گسسته و. . . همگی محصول کنش نیروها و فرایندهای مختلف در سطوح متفاوت است ساختار و سازمان فضایی هر نظام سکونتگاهی از نحوه توزیع و قرارگیری مکانی عناصر کالبدی در یک فضا به وجود می‌آید و معمولاً تحرک و جریان‌ها، پویایی سازمان فضایی را نمایانگر می‌شود. ساختار فضایی شهرستان زهک تحت تاثیر عوامل و عناصر طبیعی و ثابت در طول زمان بوده است. اولین عنصر تعیین کننده در این ساختار، مرفولوژی و ساختار طبیعی منطقه است. در این ساختار،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

آبرفت‌های حاصل از رودخانه هیرمند و دشت سیستان نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند. علاوه بر مرفولوژی و دشت سیستان، آنچه تاثیر زیادی بر نحوه سازمان یابی سکونت و فعالیت در بستر جغرافیای شهرستان شده است، جریان آب و نحوه تامین آب است. رودخانه‌های دائمی و فصلی در این پهنه جغرافیایی اهمیت زیادی در نظم پذیری و نظم دهی به سکونت و فعالیت دارند. سکونتگاه‌های شهرستان زهک بخصوص نقاط روستایی در هر جایی که به منابع آب دسترسی داشته و امکان فعالیت کشاورزی یا دامداری فراهم بوده است شکل گرفته‌اند بر این مبنا نقاط روستایی به صورت متراکم در آبرفت رودخانه در شمال شهرستان به صورت متراکم و فشرده پیرامون رودخانه قرار گرفته و نظم فضایی خاصی پیدا کرده‌اند. در این نظم فضایی پیوستگی روستاها در فضای جغرافیایی و ارتباط و پیوند آنها تحت تاثیر رودخانه بوده است. هر جا که دشت گسترده‌تر شده و منبع آب رودخانه در دسترس قرار گرفته، سکونت و فعالیتی شکل گرفته است. در سایر حوزه‌های شهرستان، نظم سکونت و فعالیت تحت تاثیر کانون‌های نقطه‌ای تامین آب و بخصوص تامین آب از چاهک‌ها بوده است. تامین آب از چاهک‌ها و چاه‌های عمیق و نیمه عمیق به همراه دشت حاصلخیز و مراتع قابل استفاده نقش زیادی در سامان‌یابی فضا و سکونت و فعالیت داشته‌اند. عامل دیگری که در ساختار اقتصادی موثر بوده است، وجود چاه نمیه‌ها و امکان ذخیره‌سازی آب و استفاده مجدد از آن بوده است بر این مبنا بسیاری از روستاها بر مبنای استفاده از آب چاه نیمه‌ها شکل گرفته‌اند. از سوی دیگر مرزی بودن شهرستان و امکان تبادل منطقه‌ای و وجود راه اصلی و مرز بین‌المللی میلک نقش مهمی را در ساختار اقتصادی روستاهای بخش شرقی منطقه ایفا می‌کند شکل‌گیری نظام و پیوندهای ساختاری سکونت، ارتباطات و فعالیت در قسمت شرقی و دشت سیستان امروز به عنوان یک عنصر ساختاری در نظم فضایی ویژه‌ای پیدا کرده است. حال با عنایت به این چهار عنصر اصلی سازمان یابی فضایی شهرستان زهک، هر یک از تصمیمات سیاسی ملی و بین المللی و دیالکتیک و دیپلماسی بخصوص در بحث آب با کشور افغانستان تاثیر شگرفی بر تحولات شهرستان برجای گذاشته است بسیاری از این تحولات، باعث نابودی نظام اقتصادی و نظام فعالیتی در سکونتگاه‌های روستایی شده است که ذیلاً هر یک از این تصمیمات و نقش آن بر ساختار اقتصادی و سازمان فضایی منطقه مورد مطالعه بررسی می‌شود.

دیپلماسی آب

آب مهمترین عنصر حیاتی و اقتصادی در نظام سکونت بیشتر روستاهای کشور محسوب می شود بخصوص در نواحی بیابانی و دشتی دسترسی به منابع آبی باعث پایداری و قوام نواحی روستایی شده است. در استان سیستان و بلوچستان با توجه به ماهیت جغرافیایی، میزان نزولات جوی معادل ۲۲۰۸۵ میلیون متر مکعب در سال است. همچنین، میزان کل منابع تجدیدشونده در سال ۲۵۴۷ میلیون متر مکعب است که کمتر از ۲. ۵٪ از منابع آب تجدیدشوندهٔ کشور است. در حال حاضر کمی بیش از ۶۷ میلیون متر مکعب، کسری مخزن آب‌های زیرزمینی استان است که با توجه به درصد پایین نزولات جوی، شاخص نامناسبی است. از سوی دیگر دشت سیستان با تبخیر سالیانه ۴۶۰۰ میلیمتر و متوسط نزولات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

جوی ۴۶ میلیمتر در سال‌های اخیر با بحران منابع آبی روبرو بوده است. منابع آب منطقه توسط آورد رودخانه هیرمند تامین شده که سر منشاء این رودخانه در ارتفاعات کشور افغانستان است. مهمترین منابع آب شهرستان زهک رودخانه‌ها، چاهک‌ها و چاه نیمه است. هر یک از این منابع آب نقش مهم و موثری را در ساختار اقتصادی و سازمان فضایی شهرستان دارا می‌باشند. چرا که با توجه به خشک بودن آب و هوای شهرستان، میزان بارندگی بسیار کم و تبخیر شدید مهمترین عنصر، وجود منابع آبی در اسکان، تجمع، فعالیت و اقتصاد شهرستان است. در این میان رودخانه اصلی شهرستان در نیمه شمالی و شرقی منطقه‌ای مناسب جهت تجمع فعالیت بشمار می‌رود و استفاده از منابع آبی چاه نیمه زمینه توسعه و پایداری برخی سکونتگاه‌ها شده است.

شکل ۴. نقشه سازمان پذیری فضایی سکونتگاه‌های انسانی بر مبنای منابع آب

رود هیرمند مرزهای بین‌المللی ایران و افغانستان را در قسمت سیستان تشکیل می‌دهد. این مرز سال‌های زیادی است، که مورد پذیرش دو همسایه قرار گرفته است؛ اما چگونگی تقسیم آب هیرمند و دیگر حقوق مربوط به این رودخانه که از کوه‌های بابا در هندوکش سرچشمه گرفته و پس از طی ۱۱۰۰ کیلومتر به دریاچه‌هامون در سیستان می‌ریزد، هنوز بحث انگیز است. مهمترین نکته در این زمینه ورودی آب از رودخانه هیرمند است که در سال‌های گوناگون تغییر کرده است و به ویژه در مواقع خشکسالی، رژیم ورودی آب توسط کشور همسایه به خوبی رعایت نشده است. خشک شدن رودخانه و احداث سدهای متعدد در کشور همسایه به عنوان یک تهدید جدی در خشک شدن زمین‌های کشاورزی و تالاب‌هامون سیستان و در نتیجه افزایش ریزگردها و گردو غبار محلی است. رودخانه هیرمند در طی سی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

سال گذشته آوردهای قابل توجهی داشته است بطوریکه در پنج سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ بیش از ۲۴ میلیارد، از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ بیش از ۱۲ میلیارد و از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ بیش از ۶ میلیارد مترمکعب آب آورد این رودخانه به دشت سیستان بوده است. این روند در طی ۳۰ سال گذشته کاهشی بوده است. با توجه به روند افزایش سهم آب شرب در ۶ شهر جدید منطقه سیستان، بیش از ۹۲۰ روستای این شهرها و تامین آب حدود ۲۶ میلیون مترمکعب آب شرب شهرستان زاهدان ایجاب می‌کند که در تخصیص آب ورودی هیرمند و ذخیره شده در چاه نیمه‌ها برنامه‌ریزی اصولی و تجدید نظر جدی صورت بگیرد (طهماسبی و واعظی پور، ۱۳۹۰: ۳).

بررسی ساختار فضایی شهرستان بر مبنای منابع آبی شهرستان در دو حوزه چاه نیمه‌ها و رودخانه هیرمند نشان می‌دهد که اقتصاد و اسکان بخصوص در سکونتگاه‌های روستایی منطبق با منابع آبی ودسترسی به این منبع است. بر این اساس در شرق و شهرستان با توجه به شاخه پریان اسکان و فعالیت شکل گرفته است و شاخه دیگر رودخانه هیرمند که به سمت غرب و شمال غرب حرکت می‌کند باعث تجمع جمعیت و نقاط روستایی در این منطقه شده است. بنابراین دیپلماسی کشور در زمینه آب با عنایت به حکومت‌های حاکم در کشور همسایه متفاوت بوده است و این امر بر میزان ورودی آب در طی سال‌های اخیر متفاوت عمل کرده است.

تصویر ۱. رودخانه هیرمند در محل ورودی کشور در دو مقطع زمانی خشکسالی و ورود آب

نتیجه بحث فوق این که تنها منبع تأمین آب در منطقه سیستان فقط رودخانه هیرمند است و به همین علت کلیه اقدامات، مطالعات و سرمایه گذاری‌های سنگینی که از سال‌ها پیش (بیش از ۵۰ سال) در زمینه تأمین آب در این منطقه صورت گرفته است براساس ورود آب از رودخانه مذکور به رودخانه سیستان و همچنین به رودخانه پریان مشترک بوده است. آب ورودی از هیرمند در چاه نیمه‌ها ذخیره سازی و مورد استفاده قرار می‌گیرد. حجم آب چاه نیمه‌ها بالغ بر ۷۵۰ میلیون متر مکعب است که چنانچه سایر مصارف شرب، صنعتی، خدمات شهری و روستایی از آن کسر شود اختصاص آن در شرایط نرمال به صورت زیر خواهد بود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

جدول ۲. میزان حجم آب در چاه نیمه‌های شهرستان زهک

نام چاه نمیه	میزان حجم آب (میلیون مترمکعب)
چاه نیمه شماره ۱	۲۲۶
چاه نیمه شماره ۲	۸۷
چاه نیمه شماره ۳	۲۱۵
چاه نیمه شماره ۴	۲۷۰
جمع	۷۹۸

منبع: مطالعات مشاوره؛ ۱۳۹۸

بنابراین با توجه به جمعیت فعلی (سال ۱۳۹۵) یعنی حدود ۶۳۰ هزار نفری شهرها و روستاهای سیستان استفاده کننده از آب چاه نیمه‌ها شامل شهرهای زابل، زهک، زاهدان و ۶ شهر جدید و ۹۲۷ روستای سیستان و نیازآبی سرانه هر شهرنشین که در افق ۱۴۱۰ برابر با ۲۲۰ لیتر و برای هر روستایی برابر با ۱۷۰ لیتر در روز دیده شده، لازم است برنامه‌ریزی دقیق صورت بگیرد. همچنین پیش بینی می‌شود نیاز شرب و بهداشتی و خدمات شهری و روستائی افق ۱۴۱۰ این جمعیت به ترتیب ۳۰ و ۵۰ میلیون مترمکعب در سال برسد. بخش صنعت که در حال حاضر سهم آبی کمتر از یک درصد را دارد پیش بینی می‌شود در آن افق سال ۱۴۱۰ به حدود ۵ درصد افزایش یابد آب بهداشت و خدمات هم مجموعاً حدود ۱۵ درصد از آن سهم را به خود اختصاص خواهد داد.

در نتیجه آنچه برای بخش کشاورزی و دوام اقتصاد روستاهای شهرستان باقی خواهد ماند، نیازمنده مدیریت صحیح خواهد بود زیرا از آنجا که پتانسیل آبی سالانه دشت سیستان (در شرایط سال هیدرولوژیکی نرمال) حدود ۸۰۰ میلیون مترمکعب (کل آورد رودخانه هیرمند) خواهد بود بنابراین سهم هر بخش بطور ناخالص (بدون کسر تبخیر و نفوذ) برابر است با ۶۰ میلیون مترمکعب می‌شود که فقط مقدار خالص آب مصرفی خانگی، شرب، خدمات شهری و روستائی را تامین می‌کند که اگر با راندمان ۵۰ درصد هم این آب در دسترس قرار گیرد برابر با ۱۵ درصد از کل آب ناخالص ورودی به ایران از هیرمند می‌باشد. از این رو حجم آب ناخالص ۱۲۰ میلیون مترمکعب (از ۸۰۰ میلیون مترمکعب آورد رودخانه هیرمند در سال نرمال) خواهد بود که این میزان آب پاسخگویی نیازهای کشاورزی در روستاها نیست و این امر به زوال کشاورزی و باغداری و تخریب منابع درآمدی و اقتصادی روستاها منجر می‌شود.

حجم آب تبخیر شده بطور متوسط از سطح ۴۷ کیلومترمربعی مخازن چاه نیمه‌ها سالانه حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب می‌باشد که مجموع آن با حجم آب ناخالص مصرفی در بخش‌های شرب و خدمات برابر با ۲۲۰ میلیون مترمکعب می‌شود. همچنین سهم آب مورد نیاز در بخش صنعت با برآورد ۵ درصد از کل آورد رودخانه هیرمند برابر با ۴۰ میلیون مترمکعب می‌باشد. مجموع آب مورد نیاز در بخش‌های شرب، بهداشتی ، خدمات، صنعت و تبخیر برابر ۲۶۰ میلیون مترمکعب می‌شود که پس از کسر از ۷۹۸ میلیون مترمکعب حجم کل مخازن چاه نیمه حدود ۴۹۸ میلیون مترمکعب باقی می‌ماند. از آنجائیکه زیر حجم ۲۶۰ میلیون مترمکعب آب، برداشت از مخازن چاه نیمه بصورت ثقلی امکان پذیر نیست و حجم مرده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

مخازن محسوب می‌گردد حداکثر ۱۰۰ میلیون مترمکعب در افق ۱۴۱۰ برای کشاورزی باقی خواهد ماند. با این وجود و با بررسی آب چاه نیمه ها نیز مشخص می شود که این میزان آب برای روستاهای شهرستان جوابگو نبوده و در آینده مخاطره خشکسالی از یک سو و از سوی دیگر مدیریت و دیپلماسی آب با کشور همسایه چنانچه مقتدرانه و بر اساس تفاهم‌نامه (۱۹۲۰) نباشد بسیاری از روستاهای شهرستان به دلیل نابودی منابع درآمدی و اقتصادی خود خالی از سکنه خواهد شد و با توجه به مرزی بودن شهرستان، ناامنی شدیدی در منطقه به وقوع خواهد پیوست و این منطقه برای قاچاق مواد مخدر و ... مورد استفاده قاچاقچیان قرار خواهد گرفت.

جدول ۳. منابع آبی شهرستان زهک و میزان مصرف

حجم مخازن آبی (میلیون مترمکعب)	مصارف عمده (میلیون مترمکعب)		تفاضل و قابل بهره برداری برای کشاورزی [۱]
۷۹۸	مصارف شرب (شهری و روستایی)	۲۲۰	
	صنعت	۴۰	
	حجم آب مرده	۲۶۰	
	تبخیر سالانه	۱۰۰	
	ذخیره استراتژیک [۲]	۵۰	
	جمع	۶۷۰	۱۲۸

منبع: مطالعات مشاوره؛ ۱۳۹۸

بدین ترتیب منابع آب به دو جهت بر ساختار اقتصادی، سازمان فضایی و نحوه قرارگیری سکونتگاه‌ها تاثیر می‌گذارد. اول بر توزیع فضایی فعالیت اقتصادی روستاهای منطقه که بر محوریت کشاورزی است و دوم تاثیر بر تامین حداقل آب بهداشتی مورد نیاز برای شرب و سکونت جمعیت روستایی. در سال‌های پر آبی رودخانه فعالیت کشاورزی رونق دارد اقتصاد روستاها خودکفا و حتی صادرات محور است و در سایر سال‌ها مهاجرت و کوچ از نواحی روستایی و فشار کاری و حاشیه‌نشینی بر شهرهای زهک و زابل بسیار زیاد بوده است.

جابجایی سکونتگاه‌ها

دو سیاست کلان در شهرستان زهک باعث جابجایی سکونتگاه‌ها و تغییر در ساختار اقتصادی و سازمان فضایی شهرستان شده است. یکی از این تصمیمات و سیاست‌ها در زمان وقوع سیل سال ۱۳۶۹ مبنی بر جابجایی و ادغام روستاها بود و دیگر تصمیم بر احداث چاه نیمه شماره ۴ و جابجایی ۱۲ روستا در راستای احداث و جانمایی چاه نیمه، انجام گرفت.

---

[۱]. حجم آب مورد استفاده از کشاورزی برای چاه نمیه‌ها و مخازن آبی است، انچه در کشاورزی از رودخانه در فصول جریان آبی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد در این محاسبات نیامده است

[۲]. ذخیره استراتژیک منابع آبی برای خشکسالی‌های پی در پی یا وقوع نزاع در کشور همسایه در طی چندین سال و عدم ورود آب به کشور ایران و چاه نیمه‌ها در نظر گرفت شده است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

وقوع سیل با توجه به رودخانه‌های شهرستان زهک امری طبیعی و عادی است که بـا تـداوم بارنـدگی در کوه‌های افغانستان و جاری شدن آب در منطقه رخ می‌دهد، در برخی سال‌ها وقوع سیل شـدید خسـارات جبران ناپذیری را به مناطق روستایی وارد نموده است بطور مثال سیل سال ۱۳۶۹ که روستاهای زیـادی را تخریب کرد و با اجرای سیاست تجمیع روستاهای آسیب‌دیده، شهرک محمدشاه‌کرم شـکل گرفـت. در این سال، سیل بالغ بر ۲۵ آبادی را تهدید و ویران نمود که با توجه به خسارات بالا و احتمال وقوع سـیل مجدد در سال‌های بعد، جابجایی سکونتگاه‌ها در دستور کار قرار گرفت و با تجمیع و جابجایی روسـتاهای آزاد کاشانی، حیدر، حاجی جلایی، گزمه، بچه در، شاهگل، سیدمحمد، قاسم‌آباد، مشهدی محمـد یادگـار، میرشیر، لچه‌ای، حسن رحیم، عسگری، شریف‌آباد، کوهکن، حسین مسافر، کره‌ای، بخته‌ای و محمد شـاه کرم، شهرک محمد شاه کرم ایجاد و تأسیس گردید این تصمیم به طور کلی در شرق شهرستان، سـازمان فضایی را دگرگون نمود همچنین با تخریب زمین های کشـاورزی توسـط سـیل، اقتصـادی روسـتاها کـه مبتنی بر کشاورزی و باغداری بود رو به کاهش نهاده است و با افزایش حجم بیکاری، گرایش به شغل‌های کاذب و غیرقانونی همچون قاچاق و تجارت مرزی قاچاق (عمدتاً سوخت) رواج یافته است.

همچنین تصمیم بر احداث چاه نیمه شماره ۴ در غرب و شمال غرب چاه نیمـه شـماره ۳، جابجـایی ۱۲ روستا در دستور کار قرار گرفت، که این امر نیز بر سازمان فضایی شهرستان تاثیرگذار بود. در نتیجه ایـن جابجایی‌ها سازمان فضایی سکونت و فعالیت نیز تغییر کرده است. دو تصویر زیر قبل و بعد از احداث چاه نیمه شماره ۴ است که بر اثر احداث آن جابجایی و تغییر سازمان فضایی شهرستان رخ داده است.

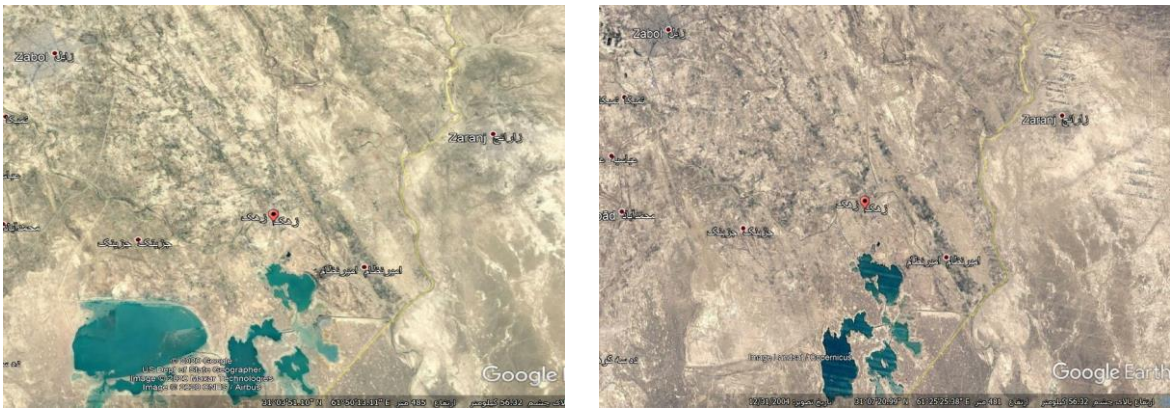

تصویر ۲. تحول در سازمان فضایی شهرستان بعد از احداث چاه نیمه شماره ۴

جابه جایی و مکان یابی روستا، تبعات مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطـی وکالبـدی را در پـی خواهد داشت که این مداخلات می‌تواند زمینه ساز ناپایداری محیط روستایی شده و آن را دچار آشـفتگی سازد. این شرایط باعث شده است تا ارزش‌های اقتصادی، طبیعی و کالبـدی سـرزمین همچنـین زیبـایی طبیعی، روح و هویت مکان روند فرسـاینده را تجربـه کننـد و نـوعی ناپایـداری در منطقـه حـاکم شـود. همچنین با جابجایی و ایجاد چـاه نیمـه شـماره ۴ زمین‌هـای کشـاورزی بسـیاری از روسـتاها تخریـب و کشاورزی کاهش یافته است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

تبدیل نقاط روستایی به شهر

با توجه به این که زهک از سال ۱۳۸۴ تبدیل به شهرستان شده و از شهرستان زابل منفک گردیده است، ساختار اداری و فضایی منطقه دچار تحول شده است. این امر بر نوع ارتباطات و جریان‌های فضایی فعالیت و مردم تاثیرگذار بوده و جریان‌های روزانه، هفتگی و ماهانه برای کار، فعالیت، خدمات اداری و ... را تحت شعاع قرار داده است. در سال ۱۳۹۷ روستای خمک نیز به شهر تبدیل شد. تبدیل این روستا به شهر و مرکزیت آن در دهستان خمک از شدت جریان‌ها به سمت زهک کاسته است و به نوعی بر جریان ارتباطات تاثیرگذار بوده است. بررسی جریان‌های شهرستان در بعد از تفکیک زهک از زابل نشان از تحول در نقش ارتباطی شهر زهک و محوریت آن بر مبنای خدمات اداری و اقتصادی قرار می‌گیرد. در این خصوص شهرستان زهک با درجه درونی ۸۷ بعد از شهر زابل در درجه دوم قرار می‌گیرد. در صورتی که قبل از آن شهرهای زاهدان و زابل محوریت خدمات اداری را برعهده داشت. این امر بر ارتباطات و جریان‌های روزانه تاثیر بسزایی گذاشته است. بررسی جریان‌های فضایی در چهار نوع از جریان‌های مردم، کالا، خدمات و سرمایه نشان دهنده آن است که بعد از تقویت شهر زهک به عنوان مرکز شهرستان، تفکیک مسیر جریان‌ها از زابل کاسته شده و به سمت زهک بخصوص در جریان خدمات و مردم افزوده شده است این امر بخصوص در فعالیت‌های اقتصادی نواحی روستایی از قبیل فروش محصولات کشاورزی، تهیه نهاده‌های کشاورزی ظهور چشمگیری داشته است و نشان داده است که تفکیک شهرستان زهک از زابل در بازاریابی و فروش از طریق بنگاه‌های اقتصادی شهرستان موثر واقع شده است.

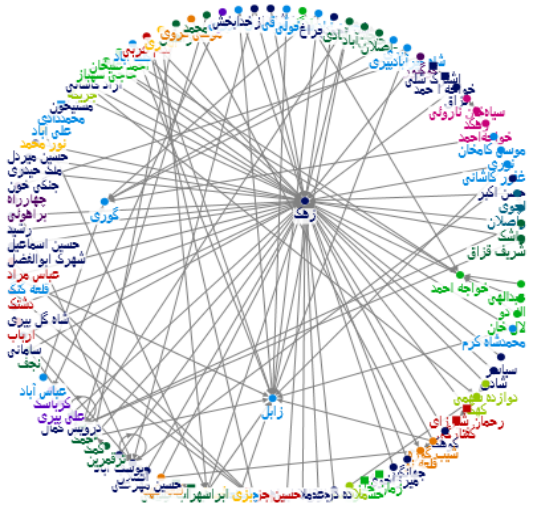

شکل ۵. گراف جریان کالا و خدمات شهرستان زهک

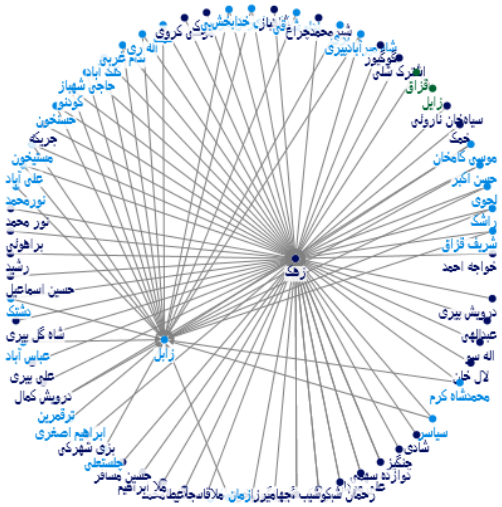

شکل ۶. گراف جریان کار و اقتصاد شهرستان زهک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

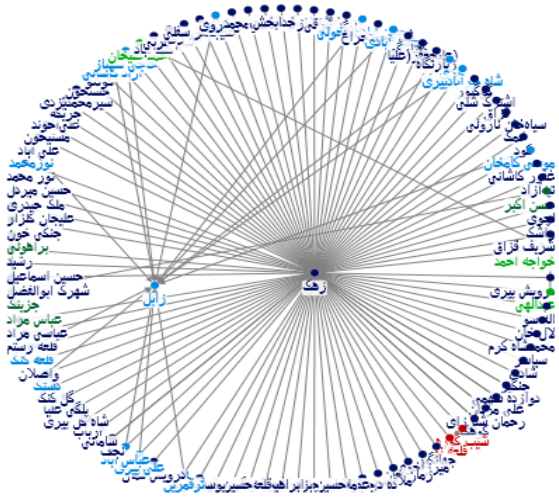

شکل ۷. گراف جریان مردم (اداری) شهرستان زهک

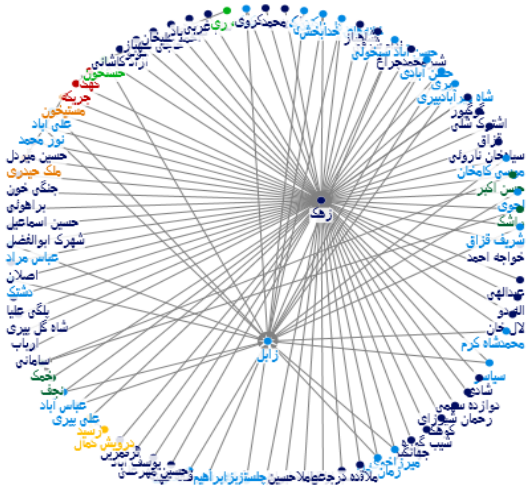

شکل ۸. گراف جریان سرمایه شهرستان زهک

بررسی‌ها نشان می‌دهد در جریان مردم (اداری) شهر زهک با درجه درونی ۹۸ بیشترین مراجعات و جریان‌های فضایی منطقه را به خود اختصاص داده است و سپس شهر زابل با درجه درونی ۱۴ رتبه دوم را دارا می‌باشد. همچنین در جریان کار و فعالیت اقتصادی، شهر زهک و شهر زابل به ترتیب با درجه درونی ۵۹ و ۲۸ بیشترین جریان‌های فعالیتی را دارا بوده‌اند و در جریان سرمایه شهر زهک به دلیل تجمع امکانات با درجه درونی ۵۴ و زابل با درجه درونی ۱۲ رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند در این بین شهر تازه تاسیس خمک نیز با درجه درونی ۴ در رتبه سوم و با اختلاف نسبت به دو شهر زهک و زابل قرار دارد.

تعطیلی بازارچه شاهگل

تأسیس بازارچه‌های مرزی زمینه‌ساز توسعه‌ای از پایین، افقی و درون‌زا خواهد بود که در نتیجه این امر علاوه بر مشارکت مردم در امر توسعه، نگهداشت جمعیت و منابع و جلوگیری از انحطاط آنها در روستا، زمینه پایدار ملی نیز مهیا می‌گردد (طیب‌نیا و منوچهری،۱۳۹۵: ۱۵۳). در سند توسعه محور شرق که در سال ۱۳۸۱ به تصویب هیات دولت قرار گرفت، با فرض فعال شدن محور ترانزیت چابهار-آسیای میانه، نقش بیشتر شهرستان‌های محور شرق به سمت تجارت گرایش پیدا کرد. یکی از بازارچه‌های مرزی تاسیس شده در این شهرستان (بازارچه شاهگل) برای تقویت این نقش و توسعه فعالیت‌های تجاری برای کمک به توسعه شهرستان بود. باوجود این، در شهرستان زهک توسعه تجارت به دلیل شکل نگرفتن زیرساخت‌های لازم و تحت تاثیر عوامل بیرونی و بین‌المللی عقیم ماند. اما با اتخاذ تصمیمات کلان در مرکز کشور و استان این بازارچه در سال ۱۳۹۴ تعطیل گردید و عملاً هیچ گونه فعالیت تجاری در آن انجام نمی‌شود. زمانی که بازارچه مرزی فعال بود بخش عمده نیروی کار جوان که دارای زمین و دام نبودند در بازاچه شاغل بوده‌اند، اشتغال این افراد باعث رونق اقتصاد مرزی و همچنین ایجاد درآمد در روستاهای مرزی بود که این امر پایداری نواحی روستایی را در پی داشت. اما با تعطیلی بازارچه مرزی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

مشاغل رسمی و قانونی و مشاغل غیررسمی و غیرقانونی تبدیل گردید تعدادی از این نیروی کار نیز به مشاغلی همچون قاچاق سوخت و ورود و یا خروج کالای غیرقانونی روی می‌آورند که این مساله باعث وجود درگیری‌ها مرزی و فشار امنیتی بر نیروهای نظامی و انتظامی شده است. همچنین با تعطیلی بازارچه ضمن فشار فعالیت بر شهر زهک و همچنین فشار بر مبادی غیر رسمی تجارت با کشور همسایه به نوعی در جریان فعالیت و ارتباطات تاثیرگذار بوده است و بسیاری از روستاهای منطقه شرقی از چرخه فعالیت و تجارت رسمی حذف شده‌اند.

دیوار مرزی

از طرفی به دلیل احداث دیوار مرزی در سال‌های دهه ۷۰ و سیاست‌های تجمیع جمعیتی در منطقه که به احداث شهرک‌های محمد شاه‌کرم و کهک منجر شده است. اهالی روستانشین روستاهای اصلی حسین مسافر، حاجی جلایی، لجه‌ای، عسگری، حسن رحیم، شریف‌آباد، میرشیر، گزمه و شاهگل به شهرک محمد شاهکرم و اهالی روستاهای حاج حیات، خلیفه کچکول، مهاجری، جنگیان و ده‌روشن به شهرک کهک مهاجرت نموده‌اند. روستاهای اصلی یا خالی از جمعیت شده و یا تعدادی ساکنین علیرغم فشارهای وارده و کاهش سطح امکانات اما همچنان در محل روستاهای مخروبه باقی مانده‌اند. مهاجرت اجباری و خانواری بهره‌برداران از روستاهای محدوده دیوار مرزی (شاه گل، دادکریم، ملک محمد، خلیفه کچکول، جنگیان، مهاجری، میرشیر، حسین مسافر،حاجی جلایی، شریف آباد) به شهرک‌های کهک و محمدشاه‌کرم که همزمان با این تغییر مکان سکونتگاهی؛ برخی بهره‌برداران به شهرهای نزدیک و یا دور مهاجرت نموده‌اند. این موضع باعث تحولات شگرفی در اسکان و فعالیت منطقه به وجود آورد و بسیاری از روستاها با تعطیلی فعالیت در آنها به مخروبه تبدیل شدند و خالی از سکنه شدند. در همین راستا برخی کشاورزان نیز زمین‌های زراعی آنها در آنسوی دیوار واقع گردید و به نوعی برای کشاورزی و تردد روزانه با مشکل مواجه شدند که این امر در بیشتر موارد به تعطیلی فعالیت کشاورزی در آنسوی دیوار انجامیده است و مهمترین فعالیت اقتصادی روستاهای منطقه یعنی کشاورزی را به نابودی کشانده است این مساله به دلیل واقع شدن رودخانه در آنسوی دیوار و وجود زمین‌های حاصلخیر ناشی از آبرفت رودخانه نمود بیشتری پیدا کرده است.

همچنین یک جریان قوی بین‌المللی نیز با افغانستان وجود دارد که تا قبل از احداث دیوار مرزی تجمع امکانات و فعالیت‌های خدماتی را دارا بوده است و جریان مردم و کالا در منطقه نمود بسیار داشته است. اما بعد از احداث دیوار مرزی جریان مردم و کالا کمتر شده و بیشتر ارتباطات مرزی در حوزه تبادل کالا وجود دارد.

مرز افغانستان و محدودیت‌های حاکم بر تردد به ویژه دیوار مرزی سبب شده تا ترددهای بین دو کشور نیز محدود شود. با اینکه این محدودیت تردد به امنیت منطقه کمک کرده است، ولی تردد گردشگران این کشور را نیز تحت تاثیر قرار داده است. از این رو نمی‌توان بر ظرفیت گردشگری دو کشور افغانستان و پاکستان برای حال و آینده برنامه‌ریزی کرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

درک تحولات ساختار فضایی

ساختار و الگوی فضایی ارتباطات

برای درک الگوهای ساختار و سازمان فضایی، الگوی پیوندها و ارتباطات یکی از مهمترین اجزا محسوب می‌شود. نحوه پیوند بین مراکز سکونت و فعالیت فرم سازمان فضایی را مشخص می‌کند که بدون شناخت کافی و درک ویژگی‌ها و نحوه عملکرد شبکه‌های ارتباطی شناخت الگوی سازمان فضایی نیز عملاً سخت و غیرممکن می‌شود. این ارتباطات در ابعاد فضایی شامل محورهای جاده‌ای، با پشتیبانی پایانه‌ها در شهرستان زهک است این شهرستان فاقد محور ارتباطی دریایی یا هوایی است ارتباطات که تسهیلگر روابط و شکل دهنده جریان‌ها در فضای منطقه هستند مهمترین رکن سازمان فضایی محسوب می‌شوند.

بررسی شبکه ارتباطی بعد از تحولات رخ داده در شهرستان، بیانگر ارتباط روستاها با مرکز شهری درونی و بیرونی است. ارتباط روستایی در شهرستان فقط با راه‌های غیراصلی است. مهمترین شبکه ارتباطی شهرستان که اتصال روستاها به مراکز شهری، راه اصلی و ترانزیت میلک است. این راه به دلیل ارتباطات بین‌المللی و ارتباط شهر زهک با زاهدان و زابل اهمیت خاصی پیدا کرده است. ارتباط زهک به زابل باعث رونق و توسعه سکونت و فعالیت در این مسیر شده است. از طرف دیگر راه ارتباطی زهک - جزینک نیز که از طریق راه ترانزیت برقرار می‌شود، نقش به سزای در سازمان‌یابی فضایی فعالیت و ارتباطات دارد.

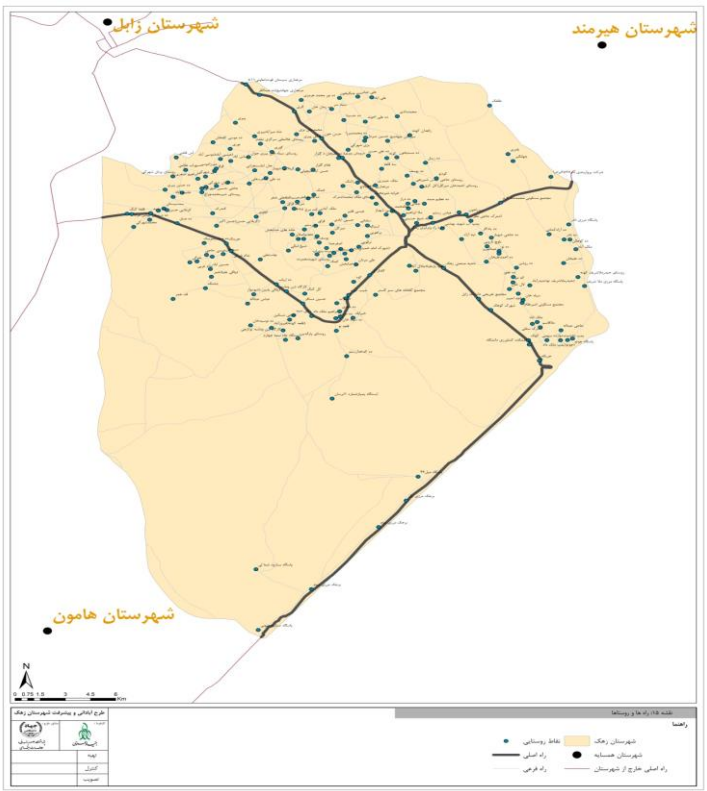

شکل ۹. نقشه پراکندگی فضایی سکونتگاه‌های انسانی بر اساس ارتباطات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

بر همین اساس راه ارتباطی اصلی شهرستان از زهک به زابل و زهک - جزینک و زاهدان نیز باعث توسعه و تقویت نقاط سکونتی و استقرار مراکز فعالیتی در حاشیه شبکه ارتباطی شده است. همچنین نقطه شهری زهک که محل تمرکز خدمات اداری و تجاری شهرستان است، بر سازمان فضایی تاثیر گذاشته و بیشتر جریان‌های فضایی درون شهرستانی از قبیل مردم، کالا و خدمات به سمت شهر زهک است. در فرادست جریان‌ها به سمت شهر زابل و شهر زاهدان بوده است. الگوهای مختلف جابجایی فضایی، حاصل تاثیرگذاری و تاثیرپذیری سکونت، اشتغال و سطح درآمدند. در واقع نسبت به درجه دسترسی یا انحراف از میزان رضایت افراد از ارائه این قبیل عناصر، پراکندگی و جابجایی‌های فضایی اتفاق افتاده و الگوهای مختلف فضایی شکل می‌گیرد. در بسیاری از موارد تجمع امکانات و خدمات در منطقه بزرگ یا شهری باعث حرکت‌های عظیم روزانه، هفتگی یا فصلی و سالانه می‌شود. این حرکات جمعیتی به ایجاد شبکه‌هایی از جریان‌های فضایی منجر می‌شود که بسیاری از فعالیت‌های دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

شبکه ارتباطی شهری و روستایی شهرستان در طی ۲۰ سال اخیر روند رو به رشدی را طی نکرده است و عملاً زیرساخت‌های ارتباطی شهرستان متناسب با جمعیت و فعالیت نمی‌باشد. بخصوص با توجه به اینکه در این شهرستان مرز تجاری بین المللی نیز وجود دارد و راه ارتباطی ان از زهک می‌گذرد. لزوم توجه به زیرساخت‌های شبکه ارتباطی در این شهرستان ضروری است.

از سوی دیگر شبکه ارتباطی داخلی و مابین سکونتگاه‌ها نیز رشد نداشته است و ارتباط فیزیکی بین روستاها از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. حال چنانچه توسعه‌ای بخواهد اتفاق بیفتد نیاز است تا شبکه ارتباطی و پیوندهای شبکه‌ای درونی شهرستان توسعه پیدا نماید.

ساختار و الگوی فضایی فعالیت

نظام فعالیت در واقع مکمل و در پیوند با نظام اسکان و ارتباطات شکل می‌گیرد. فعالیت‌ها همواره استقرارشان تابعی از جریان‌ها و فعالیت‌های انسان و سکونتگاه‌ها در بستر فضایی است؛ در واقع، اسکان نیز خود نوعی فعالیت است با این تفاوت که انسان و سکونتگاه‌ها نیروی محرکه سایر فعالیت‌ها را فراهم می‌کند و فعالیت‌های کالبدی در جهت تأمین نیازهای نظام سکونت فعالیت می‌کند. نظام فعالیت در شهرستان زهک از نظر فضایی در قالب بخش‌های کشاورزی، دامداری، خدمات، گردشگری و زیرساخت مورد بررسی قرار گرفت و از برآیند این بخش‌ها الگوی فضایی فعالیت در شهرستان را استخراج گردید.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

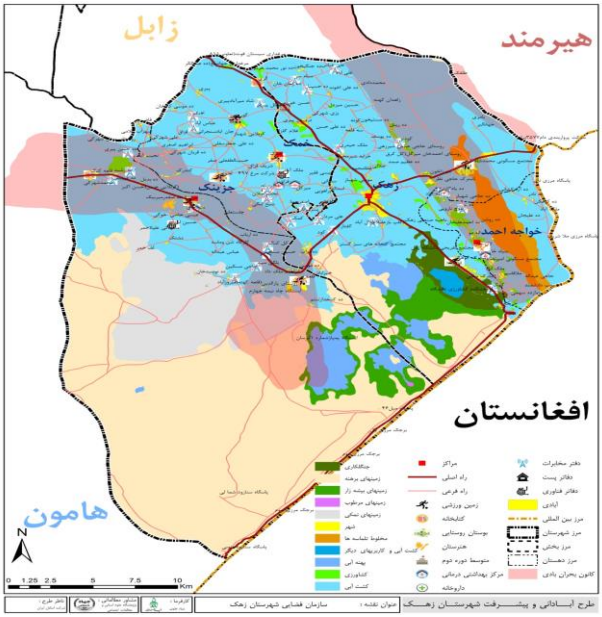

شکل ۱۰. نقشه پهنه‌بندی فعالیت و نظام اقتصادی در شهرستان زهک

خشکسالی و عدم رونق کشاورزی بخصوص در سال‌های اخیر باعث شده است تا روستائیان بیشتری برای کار و فعالیت به مناطقی که امکان دسترسی به اشتغال فراهم باشد رفت و آمد نمایند. بررسی جریان‌های فضایی کار و فعالیت در بعد از تحولات سیاسی، اداری و اقتصادی – اجتماعی نشان می‌دهد که شهر زهک و شهر زابل به ترتیب با درجه درونی ۵۹ و ۲۸ بیشترین جریان‌های فعالتی را دارا بوده‌اند. در بین مناطق روستایی درونی هیچ روستایی مقصد فعالیت و کار برای سایر مکان‌ها نبوده و همه روستاها در یک سطح قرار دارند و تنها مناطق شهری هستند که مقاصد کار و فعالیت محسوب می‌شوند. گراف زیر مبدا و مقصدهای کار و فعالیت را نشان می‌دهد.

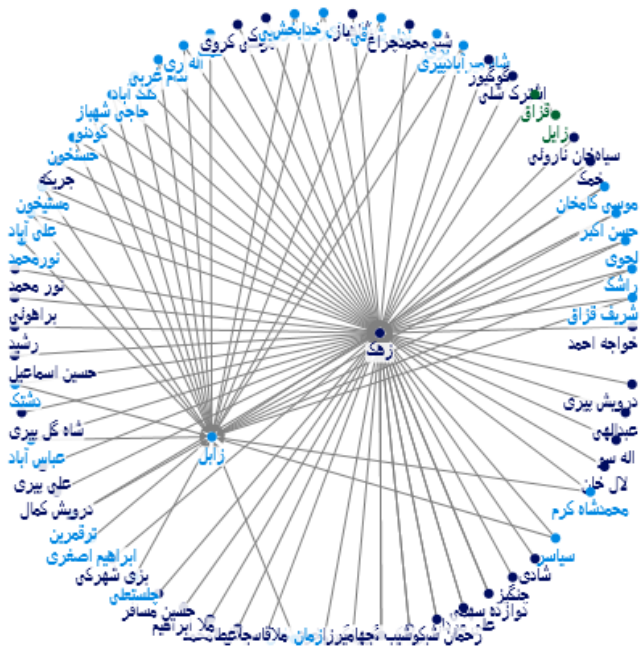

شکل ۱۱. گراف جریان کار و فعالیت در شهرستان زهک تحت تاثیر روابط مرزی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

رویکرد سنتی در اشتغال و تولید اقتصادی در بخش کشاورزی و دامداری پاسخگوی نیازهای جامعه روستایی نبوده این مساله به ناپایداری اقتصاد، تخریب اراضی کشاورزی، تشدید کم آبی، تخریب مراتع انجامیده و افزایش فعالیت‌های غیررسمی و کاذب را به همراه خواهد داشت، این امر در روند آتی نظام فعالیت تأثیر جدی خواهد داشت. همچنین بعد از تحولات سیاسی، اقتصادی در شهرستان یک شهرک صنعتی تعطیل شده وجود دارد که جوابگوی تحقق اهداف صنعتی و اشتغال صنعتی نخواهد بود. بنابراین بهره‌برداری و اشتغال‌زایی متناسب رخ نداده است و به نوعی رکود صنعتی شهرستان را به دنبال داشته است.

زمانی که فعالیت‌ها همراستا با نیازهای محیط بیرونی نباشد، تضعیف نقش شهرستان را به همراه دارد. این شهرستان نتوانسته از قابلیت مرز و ترانزیت بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی بهره‌برداری کند و ادامه این روند پیامدی جز حاشیه‌ای شدن شهرستان را در پی نخواهد داشت.

ساختار و الگوی فضایی اسکان

ویژگی‌های سازمان فضایی شهرستان زهک در حال حاضر تمرکز جمعیت و فعالیت بر مبنای منابع طبیعی – اکولوژیک، آب و خاک است. سه رودخانه اصلی در شهرستان باعث ایجاد سه کانون خطی سکونتی بر مبنای فعالیت شکل گرفته است. از سوی دیگر توپوگرافی خشن و اقلیم نامناسب در جنوبی مانع اصلی گسترش نقاط سکونتی و فعالیتی شده است و تجمیع امکانات و خدمات را در مرکز و غرب شهرستان باعث شده است.

توزیع سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان به دلیل اقلیم گرم و خشک، کمبود منابع آب و خشکسالی، کمبود اراضی کشاورزی و ... به صورت پراکنده در غرب و جنوب و متمرکز در مرکز و شرق بر مبنای دسترسی به منابع بخصوص آب بوده است. این روند در آینده نیز بر سازمان فضایی تاثیرگذار خواهد بود.

در این شهرستان وجود دو مرکز شهری با ۱۸۴ نقطه روستایی، نتوانسته است یک سلسله مراتب شبکه‌ای از سکونتگاه‌ها شکل بگیرد و فاصله نقاط با یکدیگر به چشم می‌خورد. در صورتی که این روند در آینده نیز وجود داشته باشد و نتواند یک ساختار شبکه‌ای مبتنی بر نقاط کانونی و پیرامونی شکل گیرد، برخی نقاط دچار انزوا خواهد شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

شکل ۱۲. نقشه الگوی سکونت در شهرستان زهک برمبنای منابع آب و تحولات ساختار فضایی

۵) نتیجه‌گیری

موضوعات مورد مطالعه در فضای جغرافیایی از ماهیت سیستمی و ساختاری برخوردار بوده و دارای ابعاد مختلف از جمله اقتصادی، فرهنگی، کالبدی، سیاسی و ... می‌باشد. از این رو مفهوم فضای جغرافیایی آکنده از عناصر، روابط و داد و ستد است که در تحلیل‌های فضایی، کارکردی بنیادی دارند. در حقیقت آنگاه که مجموعه‌ای از مکان‌ها در قالب نقاط و سطوح متعامل به صورت خط یا سطح انتظام یا سامان یابند، ساختار فضایی به مثابه پدیده‌ای انضمامی و متعامل پدید می‌آید. در حقیقت در علوم جغرافیایی مطالعه و برنامه‌ریزی برای ساماندهی ساختارهای فضایی در مقیاس ملی بدون در نظر گرفتن قدرت حاکمیت امکان پذیر نیست. اصولاً برنامه‌ریزی و آمایش؛ حاصل راهکارها، دستورالعمل‌ها، اولویت‌بندی و انتخاب ذیمدخلان قدرت برای حل مشکلات مکانی - فضایی در ابعاد طبیعی و انسانی مطابق ایدئولوژی آنها است.

در حال حاضر ویژگی‌های ساختار و سازمان فضایی شهرستان زهک تمرکز جمعیت و فعالیت بر مبنای منابع طبیعی – اکولوژیک آب و خاک است. سه رودخانه اصلی در شهرستان باعث ایجاد سه کانون خطی سکونتی بر مبنای فعالیت شکل گرفته است بر همین اساس راه ارتباطی اصلی شهرستان از زهک به زابل و زهک –جزینک -زاهدان نیز باعث ایجاد نقاط سکونتی در حاشیه شبکه ارتباطی با فواصل معین شده است. از سوی دیگر توپوگرافی خشن و اقلیم نامناسب در جنوبی مانع اصلی گسترش نقاط سکونتی و فعالیتی شده است و تجمیع امکانات و خدمات را در مرکز و غرب شهرستان باعث شده است. همچنین نقطه شهری زهک که محل تمرکز خدمات اداری و تجاری شهرستان است بر سازمان فضایی تاثیر گذاشته و بیشتر جریان‌های فضایی درون شهرستانی از قبیل مردم، کالا و خدمات به سمت شهر زهک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

است. در فرادست جریان‌ها به سمت شهر زابل و شهر زاهدان در شهرستان بوده است. یک جریان قوی بین‌المللی نیز با افغانستان وجود دارد که تا قبل از احداث دیوار مرزی تجمع امکانات و فعالیت‌های خدماتی را دارا بوده است و جریان مردم و کالا در منطقه نمود بسیار داشته است اما بعد از احداث دیوار مرزی جریان مردم و کالا کمتر شده و بیشتر ارتباطات مرزی در حوزه تبادل کالا وجود دارد.

بررسی شبکه ارتباطی شهرستان بیانگر ارتباط روستاها با مرکز شهری درونی و بیرونی است ارتباط روستایی در شهرستان صرف دسترسی با راه‌های غیراصلی است، مهمترین شبکه ارتباطی شهرستان که اتصال روستاها به مراکز شهری را دربرگرفته است راه اصلی و ترانزیت میلک است. این راه به دلیل ارتباطات بین‌المللی و ارتباط شهر زهک با زاهدان و زابل اهمیت خاصی پیدا کرده است. ارتباط زهک به زابل باعث رونق و توسعه سکونت و فعالیت در این مسیر شده است از طرف دیگر زهک- جزینک نیز که راه ترانزیت را برقرار می‌کند نقش به سزای در سازمان‌یابی فضایی فعالیت و ارتباطات دارد.

نظام فعالیت در واقع مکمل و در پیوند با نظام اسکان شکل می‌گیرد. فعالیت‌ها همواره استقرارشان تابعی از جریان‌ها و فعالیت‌های انسان و سکونتگاه‌ها در بستر فضایی است؛ در واقع، اسکان نیز خود نوعی فعالیت است با این تفاوت که انسان و سکونتگاه‌ها نیروی محرکه سایر فعالیت‌ها را فراهم می‌کند و فعالیت‌های کالبدی در جهت تأمین نیازهای نظام سکونت فعالیت می‌کند. نظام فعالیت در شهرستان زهک از نظر فضایی می‌توان در قالب بخش‌های کشاورزی، دامداری، خدمات، گردشگری و زیرساخت موردبررسی قرار داد و از برآیند این بخش‌ها الگوی فضایی فعالیت در شهرستان را استخراج کرد.

این مطالعه نشان داد که الگوی فضایی فعالیت و اقتصاد روستایی تحت تاثیر منابع آب و خاک بوده که این خود از دیپلماسی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تبعیت می‌کند. به تعبیر دیگر روابط سیاسی و قدرت بین دول ایران و افغانستان بر فعالیت کشاورزی و حتی صنعت و پراکندگی جمعیت تاثیر گذاشته است.

با عنایت تحولات ایجاد شده و تصمیمات کلان ملی در سطح شهرستان در حال حاضر ساختار اقتصادی روستاها که مبتنی بر کشاورزی، دامداری و باغداری بود دچار تحول شده است و مشاغل غیررسمی، غیرقانونی و قاچاق رواج یافته است. همچنین تجارت مرزی و فعالیت‌های تجاری روستاهای دچار تحول شده است. از سوی دیگر بر اساس تحولات یاد شده سازمان فضایی شهرستان دارای یک موجودیت قطبی در مرکز شهرستان و یک مرکزیت به سمت شهر زابل است و از الگوی شبکه‌ای فاصله زیادی دارد. این ساختار به نوعی باعث ناپایداری بخصوص در روستاهای کوچک شده است و با توجه به شرایط منطقه‌ای در آینده امکان تخلیه بسیاری از روستاها وجود دارد.

نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش متقی و همکاران (۱۳۹۹) در نابودی توزیع فضایی امکانات اقتصادی و رفاهی و تناسب آن با جمعیت ساکن در نواحی روستایی و عدم کارآمدی سازمان سیاسی فضا از نظر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری اقتصادی همسو است. همچنین مطالعات شهرکی مقدم و همکاران (۱۳۹۹) نیز در عدم تخصیص امکانات رفاهی و اقتصادی، یافته‌های این پژوهش را تایید می‌نماید. از سوی دیگر همسویی یافته‌های این پژوهش در خصوص بازارچه‌های مرزی یا یافته‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

پژوهش ارمغان (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که فعال بودن بازارچه‌های مرزی می‌تواند در جهت کاهش مشکلات اقتصادی و افزایش درآمد روستاییان موثر واقع شود و فقر و بیکاری مناطق روستایی را بهبود ببخشد. در همین راستا یافته‌های پژوهش طیب‌نیا و منوچهری (۱۳۹۴)، بیانگر آن است که بازارچه‌های مرزی تاثیر مطلوبی بر امنیت، کاهش قاچاق و درآمد و امنیت شغلی روستائیان دارد که این یافته‌ها، نتایج این مقاله را نیز تایید می نماید.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از یافته‌های طرح پژوهشی مطالعات آبادانی و پیشرفت شهرستان زهک است که توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی به کارفرمایی بنیاد علوی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

۶) منابع

- ارمغان، سیمین، (۱۳۹۱)، **اثرات اقتصادی بازارهای مرزی در توسعه روستاهای شهر استارا**، همایش ملی توسعه روستایی، جهاددانشگاهی واحد استان گیلان،
- افراخته، حسن و محمد حجی‌پور، (۱۳۹۴). **اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی**، سال چهارم، شماره ۴، پیاپی، ۱۴، صص ۸۷-۱۱۰
- بشیریه، حسین، (۱۳۹۰). **نظریه‌های فرهنگی در قرن بیستم**، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان
- پیران، پرویز، (۱۳۷۰). **دیدگاه‌های نظری در جامعه شناسی شهر و شهرنشینی**، تحولات واحد پول ایران و نرخ برابری، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۵۱، صص ۷۵-۸۱
- توکلی‌نیا، جمیله، و محمد شالی، (۱۳۹۱). **نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران**. فصلنامه آمایش محیط، سال پنجم، شماره ۱۸، صص.۴۵—۷۱
- دریفوس، هیوبرت و پل رابینو (۱۳۷۹). **میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک**، ترجمهٔ حسین بشیریه، تهران: نی.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا، پریشان، مجید، (۱۳۹۴). **تحولات ساختاری-کارکردی پس از تبدیل نقاط روستایی به شهر (مورد: شهر کانی سور- شهرستان بانه)**، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال نهم، شماره ۱۲
- ریترز، جورج، (۱۳۸۹). **نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی
- سیدامامی، کاوس، (۱۳۹۴). **پژوهش در علوم سیاسی**، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- صادقی، حجت اله، فال‌سلیمان، محمود، هاشمی، صدیقه، فدایی، معصومه (۱۳۹۳) **محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه پایدار در روستاهای مرزی شرق ایران، مورد دهستان بندان در شهرستان نهبندان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، پیاپی ۸ صفحات ۱۴۳-۱۲۵
- طهماسبی، رمضان، واعظی‌پور، حسین، (۱۳۹۴)، **مدیریت تامین و تقاضای آب در دشت سیستان**، دومین کنفرانس مدیریت منابع آب، اصفهان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]

- طیب‌نیا، سیدهادی و سوران منوچهری (۱۳۹۵)، **نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی مورد: روستاهای بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره، ۱بهار، ۱۳۹۵پیاپی ۱۵ صفحات ۱۷۲-۱۴۷
- قاسمی سیانی، محمد، (۱۳۹۶). **تبیین تحولات ساختاری – کارکردی سازمان فضایی نواحی سکونتگاهی، مطالعه موردی: بخش جلگه و بن‌رود شهرستان اصفهان**، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی، به راهنمایی اساتید دکتر افراخته و دکتر ریاحی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی
- قاسمی سیانی، محمد، افراخته ،حسن، وحید ریاحی و فرهاد عزیزپور، (۱۳۹۸). **تبیین تحولات ساختاری – کارکردی سکونت و مسکن روستایی مطالعه موردی: بخش بن‌رود و جلگه شهرستان اصفهان**، نشریه علمی – پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال سوم، شماره ۶ (سری جدید) پیاپی ۱۰، صص. ۴۶-۶۴
- قریشی، سیده زهرا، میان‌آبادی، حجت، موسوی شفائی، مسعود (۱۳۹۸) **نقش قدرت در دیپلماسی آب**، نشریه تحقیقات منابع آب ایران، سال پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸ صص ۲۶۴-۲۴۲
- لشگری تفرشی، احسان، (۱۳۹۴). **واکاوی رهیافتی نوین در شناخت نظری رابطه سیاست و فضای جغرافیایی در چارچوب مکتب ساختارگرایی**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره اول، پیاپی، ۱۲۴، صص ۱۰- ۳۱
- لشگری تفرشی، احسان،(۱۳۹۳). **شهر و سیاست، دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی فضای شهری**، تهران، نشر انتخاب
- متقی، افشین، حسین ربیعی و مصیب قره بیگی (۱۳۹۴)، **تحلیل فضایی توسعه نواحی مرزی شرق کشور مورد: دهستانهای مرزی استان خراسان جنوبی**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، پیاپی ۱۴ صفحات ۱۴۷-۱۶۷
- مرداک، جاناتان، (۱۳۹۲). **جغرافیای پساساختارگرا**، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و مصیب قره بیگی، تهران، انتشارات زیتون سبز
- میرحیدر، دره، بدیعی، مرجان، ذکی، یاشار، میراحمدی، فاطمه السادات، (۱۳۹۴)، **دلایل افول دیدگاه فضایی- کمی در مطالعه‌های جغرافیای سیاسی**، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۱، صص ۱۹۶ -۱۷۷

- Dikshit, R. (1982), **Political geography contemporary perspective**, McGraw Hill company
- Fraser, N. (1994), **Foucault on modern power: Empirical insight and normative confusion**, London, Routledge
- Gwartney, J., Holcombe, R., & Lawson, R. (1998). **Scope of Govern ment and the Wealth of Nations**. Cato Journal, 18(2), 8-12
- Labrianidis, L. (ed.). (2004). **The future of Europe's Rural Peripheries: the role of entrepreneurship in responding to employment problems and social marginalisation**. Aldershot: Ashgate Publication.
- Milton, Jorge. (2009), **What is geography**, Antipode journal, Vol. 32, No.1

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.35.5.3]